



خاطره آن روزها در ذهنم زنده می‌شود؛ روزهایی که در دل کارهای روزمره، گاهی اتفاق‌های کوچکی رقم می‌خورد که ماندگارتر از بسیاری از برنامه‌های رسمی است.



روایتی از روزهایی که کارگران پروژه مترو برای درمان به درمانگاه آزادی می‌آمدند و یک پیشنهاد ساده، نشانی ماندگار از همراهی تأمین اجتماعی در ورودی ایستگاه آزادی برجای گذاشت

آن لحظه با خودم فکر کردم گاهی یک برخورد ساده و صمیمانه می‌تواند بازتابی بزرگ داشته باشد. احترام به یک سازمان و قدردانی از همکاری‌های کوچک، می‌تواند به شکل نمادی ماندگار در یک فضای عمومی ثبت شود.

آن دیوارنوشته سنگی از همان سال ۱۳۹۴ تاکنون در ورودی ایستگاه مترو آزادی باقی مانده است. هر بار که از آنجا عبور می‌کنم، ناخودآگاه مکث می‌کنم و به آن نگاه می‌اندازم. برای من، آن نوشته تنها یک یادبود ساده نیست؛ نشانه‌ای است از اینکه چگونه یک گفت‌وگوی کوتاه و یک تعامل انسانی می‌تواند به یادگاری ماندگار تبدیل شود. امروز که بیش از بیست‌وشش سال از فعالیت حرفه‌ای من در مراکز درمانی می‌گذرد و پنج سال نیز مسئولیت مدیریت پشتیبانی را تجربه کرده‌ام، هر بار که از کنار اداره کل درمان تهران عبور می‌کنم،